



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی



موضوع:

اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ نیکی با پدر و مادر و خویشاوندان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: مهدی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

لطفاً تعریف صله‌ی رحم، موارد وجوب و حدود و شرایط آن را بفرمایید و همچنین بفرمایید که دوری از چه کسانی اگر از ارحام باشند قطع رحم محسوب نمی‌شود؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۱/۱

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. در زبان عربی، «صله» به معنای «پیوسته داشتن» و «رَحِم» به معنای «خویشاوندی» است و با این وصف، مراد از «صله‌ی رَحِم» پیوسته داشتن خویشاوندی به معنای مراعات آن است که در ارتباط با خویشاوندان و احسان با آنان مصداق می‌یابد و از مهم‌ترین واجبات در اسلام است؛ چنانکه خداوند در کتاب خود اکیداً به آن امر کرده و فرموده است: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾؛ «و درباره‌ی خداوند که با (یادآوری) او از یکدیگر درخواست می‌کنید و درباره‌ی خویشاوندان پروا کنید» و از قطع آن -اگرچه پس از نیل به قدرت- شدیداً نهی کرده و فرموده است: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۖ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾؛ «پس آیا ممکن است که چون به قدرت دست یابید در زمین فساد انگیزید و (مراعات) خویشاوندی‌تان را قطع کنید؟! آنان کسانی هستند که خداوند لعنت‌شان کند، پس کرشان گرداند و دیدگانشان را کور سازد»، مانند بنی امیه که چون به قدرت دست یافتند، در زمین فساد انگیزتند و (مراعات) خویشاوندی‌شان با بنی هاشم را قطع کردند؛ همچنانکه قطع آن -به معنای قطع ارتباط و احسان با خویشاوندان- از مصادیق چیزی است که خداوند درباره‌ی اهلس فرموده است: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

۱. النساء / ۱

۲. محمد / ۲۲ و ۲۳

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ^۱؛ «کسانی که پیمان خداوند را پس از بستنش می‌شکنند و چیزی که خداوند به آن امر کرده است تا پیوسته نگاه داشته شود را قطع می‌کنند و در زمین فساد می‌انگیزند، آنان همانا زیان‌کارانند» و فرموده است: **﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾**^۲؛ «و کسانی که پیمان خداوند را پس از بستنش می‌شکنند و چیزی که خداوند به آن امر کرده است تا پیوسته نگاه داشته شود را قطع می‌کنند و در زمین فساد می‌انگیزند، آنان برایشان لعنت و برایشان بدی آخرت است»؛ با توجه به اینکه ارتباط و احسان با خویشاوندان مصداق چیزی است که «خداوند به آن امر کرده است تا پیوسته نگاه داشته شود» و با این وصف، قطع آن از اسباب «خسران»، «لعنت» و «سوء عاقبت» محسوب می‌شود و این به سبب فوائد و برکات فراوانی است که ارتباط و احسان با خویشاوندان برای فرد و جامعه دارد؛ با توجه به اینکه بدی‌های فردی و اجتماعی خویشاوندان در سایه‌ی ارتباط و احسان‌شان با یکدیگر اصلاح می‌پذیرد و خوبی‌های فردی و اجتماعی آنان در سایه‌ی ارتباط و احسان‌شان با یکدیگر انتقال می‌یابد و مشکلات فردی و اجتماعی آنان در سایه‌ی ارتباط و احسان‌شان با یکدیگر حل می‌شود و این مصلحتی آشکار برای فرد و جامعه است؛ خصوصاً با توجه به اینکه اصلاح بدی‌ها، پذیرش خوبی‌ها و حل مشکلات فردی و اجتماعی مردم توسط بیگانگان، غالباً دشوارتر است؛ زیرا الفت، محبت و اعتمادی که میان خویشاوندان وجود دارد، میان بیگانگان وجود ندارد و این سرمایه‌ای بی‌نظیر برای رشد و تکامل هر خاندان محسوب می‌شود، تا حدی که می‌تواند خاندان‌هایی مانند خاندان ابراهیم، عمران و محمد علیهم السلام را تربیت کند! بیهوده نیست که در روایات اسلامی^۳، «صله‌ی أرحام» از اسباب طول عمر دانسته شده است؛ چراکه در سایه‌ی آن بسیاری از اسباب کاهش عمر برطرف می‌شود!

۲. «الأرحام» در کتاب خداوند لفظی عام است و تبعاً همه‌ی خویشاوندان نزدیک و دور را در بر می‌گیرد، هر چند با توجه به اینکه از لفظ «رَحِم» به معنای «زهدان» گرفته شده است، بیشتر به خویشاوندان نسبی انصراف دارد؛ همچنانکه برخی خویشاوندان در کتاب خداوند از برخی دیگر سزاوارترند و این سخن اوست که فرموده است: **﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾**^۴؛ «و صاحبان خویشاوندی در کتاب خداوند برخی‌شان سزاوارتر از برخی دیگر هستند» و با این وصف، بایسته است که ارتباط و احسان با آنان به نسبت سزاوارتر بودنشان بیشتر باشد. بی‌گمان سزاوارترین خویشاوندان به ارتباط و احسان مادر و پدرند؛ چراکه خداوند

۱. البقرة / ۲۷

۲. الزعد / ۲۵

۳. مسند عبد الله بن المبارك، ص ۱۶۴؛ الأصول الستة عشر لعدة من المحدثين، ص ۱۶۹؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ صحيح البخاري، ج ۷، ص ۷۲؛ صحيح مسلم، ج ۸، ص ۸؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۳۸۱؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۲۳۷؛ قرب الإسناد للحميري، ص ۷۶ و ۳۵۵؛ الكافي للكليني، ج ۲، ص ۱۵۰

۴. الأنفال / ۷۵

آن دورا پیش از سایر نزدیکان ذکر کرده و فرموده است: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ﴾؛ «و به والدین نیکی کنید و به نزدیکان» و فرموده است: ﴿قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ﴾؛ «بگو هر چه از مال انفاق می کنید پس برای والدین و نزدیکان است» و فرموده است: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ «بر شما مقرر شد که هرگاه یکی تان را مرگ فرا می رسد اگر مالی بر جای گذاشته باشد برای والدین و نزدیکان به شایستگی وصیت کند»؛ همچنانکه انسان را درباره ی آن دو سفارش کرده فرموده است: ﴿وَقَصَىٰ رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۖ وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾؛ «و پروردگارت حکم کرد که جز او را نپرستید و به والدین نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دوشان نزد تو به پیری رسیدند، پس به آن دو یک اف نگو و آن دو را نران و با آن دو به احترام سخن بگو و برایشان بال فروتنی را از روی مهر فرود آور و بگو: پروردگارا! آن دو را رحمت کن همان گونه که من را در حال خردسالی پروراندند» و درباره ی مادر سفارش بیشتری کرده و فرموده است: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾؛ «و انسان را درباره ی والدینش به نیکی سفارش کردیم، مادرش او را با ناراحتی حمل کرد و با ناراحتی زایید و حمل او و از شیر گرفتنش سی ماه است» و فرموده است: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾؛ «و انسان را درباره ی والدینش سفارش کردیم، مادرش او را با رنجی بر روی رنجی حمل کرد و از شیر گرفتنش در دو سال است که من و والدینت را سپاس گزار، بازگشت به سوی من است». آن گاه پس از مادر و پدر، همسران -با توجه به حقوق واجبی که بر عهده ی یکدیگر دارند- و پس از آنان، فرزندان -اگرچه از همسران نزدیک ترند- به ارتباط و احسان سزاوارترند؛ چنانکه خداوند آنان را به این ترتیب یاد کرده و فرموده است: ﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ﴾؛ «بهشت های عدنی که به آن داخل می شوند و هر کس از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانسان که صالح هستند» و پس از آنان هر کسی که در میراث مقدّم است، به ارتباط و احسان سزاوارتر است و تبعاً قطع ارتباط و احسان با او گناه بزرگتری محسوب می شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ﴾؛

۱. النساء / ۳۶

۲. البقرة / ۲۱۵

۳. البقرة / ۱۸۰

۴. الإسراء / ۲۳ و ۲۴

۵. الأحقاف / ۱۵

۶. لقمان / ۱۴

۷. الزعد / ۲۳

۸. البقرة / ۲۳۳



«نه مادری به فرزندش زیان برساند و نه پدری به فرزندش و بر عهده‌ی وارث مانند آن است» و در نهایت، دورترین خویشاوند انسان نیز نباید از ارتباط و احسان او در حدّ توانش بی‌نصیب بماند و این مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از چیزی است که فرموده است: «رَحِمَ خویش را قطع نکن، اگر چه به تار مویی آویخته باشد!»^۱.

۳. «قطع رَحِم» به معنای قطع ارتباط و احسان با خویشاوندان برای کسی که توانایی آن دو را دارد جایز نیست، اگر چه کافر یا فاسق باشند؛ زیرا ارتباط و احسان با خویشاوندان کافر یا فاسق، برای دعوت آنان به سوی خیر و امرشان به معروف و نهی‌شان از منکر ضروری است و این کاری است که خداوند آن را واجب دانسته و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده‌ی‌تان را از آتش باز دارید» و فرموده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۲؛ «و خانواده‌ات را به نماز امر کن و بر آن شکیبا باش» و فرموده است: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۳؛ «و خویشاوندان نزدیک‌ترت را بیم بده» و با این وصف، ارتباط و احسان با خویشاوندان کافر یا فاسق مقدّمه‌ی واجب محسوب می‌شود، بل دعوت آنان به سوی خیر و امرشان به معروف و نهی‌شان از منکر چیزی جز احسان با آنان نیست که عین واجب است و بدون ارتباط با آنان امکان ندارد و از این رو، ارتباط با آنان هرگاه بدون دعوت‌شان به سوی خیر و امرشان به معروف و نهی‌شان از منکر باشد، «صله‌ی رَحِم» محسوب نمی‌شود، بل مانند رفتن به تماشای آنان در حالی است که میان آتش گرفتارند بدون کوشش برای نجات دادن آنان و این «قطع رَحِم» محسوب می‌شود. آری، به نظر می‌رسد که قطع ارتباط با آنان در سه صورت جایز، بلکه واجب است:

یکم؛ ارتباط با آنان همراه با دعوت‌شان به سوی خیر و امرشان به معروف و نهی‌شان از منکر عسر و حرج داشته باشد و بدون آن حمل بر تأیید کفر یا فسق آنان شود و به افزایش یا استمرار آن دو کمک کند؛ چراکه در این صورت اعانت بر اثم و عدوان محسوب می‌شود، در حالی که خداوند فرموده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۴؛ «و به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا یاری رسانید و به یکدیگر در گناه و تعدّی یاری نرسانید»؛ همچنانکه قطع ارتباط با آنان هرگاه به خاطر کفر یا فسق‌شان باشد و به بازگشت‌شان از آن دو کمک کند، اشکالی ندارد؛ چراکه در این صورت احسان با آنان محسوب می‌شود و خداوند فرموده است: «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۵؛ «بر احسان کنندگان راهی (به مؤاخذه) نیست و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است».

۱. نامه‌ی ۱۶

۲. التَّحْرِيم / ۶

۳. طه / ۱۳۲

۴. الشعراء / ۲۱۴

۵. المائدة / ۲

۶. التوبة / ۹۱

دوم؛ ارتباط با آنان سوق دهنده‌ی انسان به سوی ترک واجب یا ارتکاب حرام باشد، بدون آنکه توان مقاومت در برابر آنان را داشته باشد؛ چراکه در این صورت، آنان خویشاوندان او محسوب نمی‌شوند، بل شیاطینی هستند که دشمنان او محسوب می‌شوند و تبعاً ارتباط با شیاطین جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرآینه برخی از همسرانتان و فرزندانان دشمن شما هستند، پس از آنان حذر کنید» و فرموده است: **﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَرْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾**^۲؛ «بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و اموالی که گرد آورده‌اید و کسب‌وکاری که از کسادش می‌ترسید و خانه‌هایی که خوش می‌دارید نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر باشید تا خداوند عذابش را بیاورد و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند». هر چند ارتباط با آنان در صورتی که توان مقاومت در برابر فشارهاشان وجود داشته باشد، اشکالی ندارد، بلکه دست کم در خصوص پدر و مادر واجب است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾**^۳؛ «و اگر آن دو بر تو فشار آوردند که برای من چیزی را شریک قرار دهی که به آن علمی نداری، پس از آن دو اطاعت نکن و با آن دو در دنیا به شایستگی مصاحبت کن»؛ همچنانکه ارتباط با آنان در حدی که سوق دهنده‌ی انسان به سوی ترک واجب یا ارتکاب حرام نیست، واجب است، اگرچه تنها سلام گفتن یا سلام رساندن باشد و این هم مستفاد از گفتار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که فرموده است: «رَجِمَ خَوِيشَ رَا قَطْعَ نَكْن، اگرچه به تار مویی آویخته باشد!».

سوم؛ کفر آنان از روی بی‌خبری و در حدّ عقیده‌ی شخصی نباشد، بلکه از روی «جحود» به معنای لجاجت و خیره‌سری و در حدّ ضدّیت با خداوند یا اولیاء او یا احکام او باشد؛ چراکه در این صورت دشمن خداوند محسوب می‌شوند و دوری و برائت از دشمنان خداوند واجب است؛ چنانکه فرموده است: **﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾**^۴؛ «بی‌گمان برای شما اسوه‌ی حسنه‌ای در ابراهیم و کسانی است که با او بودند، هنگامی که به قومشان گفتند:

۱. التّغابن / ۱۴
۲. التّوبة / ۲۴
۳. لقمان / ۱۵
۴. الممتحنة / ۴

ما از شما و هر چه بجز خداوند می‌پرستید بیزاریم، به شما کافر شدیم و میان ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه آشکار شد تا آن گاه که به خداوند یگانه ایمان آورید، مگر سخن ابراهیم با پدرش که هرآینه برایت آمرزش خواهم خواست و برایت چیزی از خداوند را مالک نیستم» و فرموده است: **﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾**^۱؛ «و آمرزش خواستن ابراهیم برای پدرش جز به خاطر وعده‌ای که به او داده بود نبود، پس وقتی برایش آشکار شد که او دشمن خداوند است از او بیزاری جست، هرآینه ابراهیم مهربانی بردبار بود»، هر چند آن حضرت پیش از آشکار شدن دشمنی او با خداوند نیز ارتباطش با او را قطع کرده بود، ولی این تنها بنا بر درخواست خود او بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿قَالَ أَرَأَيْتَ أَنتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ۖ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ ۖ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ۖ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾**^۲؛ «گفت: آیا تو از خدایان من رویگردان شده‌ای ای ابراهیم؟! اگر دست برنداری سنگسارت می‌کنم و مدتی طولانی از من دور شو! گفت: سلام بر تو، من برای تو از پروردگارم آمرزش خواهم خواست؛ چراکه او نسبت به من مهربان است و از شما و چیزی که جز خداوند می‌خوانید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم، امید است که با خواندن پروردگارم بدیخت نباشم» و فرموده است: **﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾**^۳؛ «پیامبر و کسانی که ایمان آوردند را نمی‌رسد که برای مشرکان آمرزش خواهند اگرچه نزدیکانشان باشند پس از اینکه برایشان آشکار شد که آنان اهل دوزخند» و فرموده است: **﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾**^۴؛ «گروهی که به خداوند و روز واپسین ایمان دارند را نمی‌یابی که با کسانی که با خداوند و پیامبرش ضدیت دارند دوستی کنند اگرچه پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خویشانانشان باشند».

۴. «صله‌ی رَحِم» به معنای حمیت جاهلی و عصبیت قومی نیست و تبعاً مانع از عمل به احکام خداوند در مواردی که بر خلاف منافع خانواده و خویشانودان است محسوب نمی‌شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾**^۵؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! بر پا دارندگان عدالت گواهی دهندگان برای خداوند باشید اگر چه علیه خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان؛

۱. التوبة / ۱۱۴

۲. مریم / ۴۶-۴۸

۳. التوبة / ۱۱۳

۴. المجادلة / ۲۲

۵. النساء / ۱۳۵



زیرا اگر بی‌نیاز باشند یا نیازمند، خداوند از آنان سزاوارتر است، پس از خواهش پیروی نکنید که عدول نمایید و اگر منحرف شوید یا روی برتابید خداوند به کاری که می‌کنید آگاه است» و با این وصف، اجرای عدالت و اقامه‌ی شهادت اگرچه بر ضد پدر و مادر و سایر نزدیکان باشد و به مجازات آنان در چهارچوب اسلام بینجامد، «قطع رَحِم» محسوب نمی‌شود و کسی را نمی‌رسد که از خویشاوندان خود در غیر حق حمایت کند.



تعلیقات پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

نویسنده: امید ناصری

پرسش فرعی ۱

امیدوارم که زمینه‌سازان ظهور خلیفه‌ی خداوند، در صحت و عافیت باشند.
در وجوب اطاعت از پدر و مادر تردیدی نیست، اما آیا اطاعت از کسانی که سرپرستی ما را بر عهده گرفته‌اند هم واجب است؟

آیا کسی می‌تواند به دلیل مشکلات روحی پدر یا مادرش، جدا از آن دو زندگی کند؟ با توجه به اینکه گاهی ممکن است آن دو به دلیل بیماری، به اطرافیان خود آسیب‌های جسمی وارد کنند و البته ارتباط فرزند با آن دو به مرور زمان بیماری‌های روحی را هم در او ایجاد می‌کند.

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۱/۴

پاسخ به پرسش فرعی ۱

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. کسی که سرپرستی انسان را بر عهده گرفته است، پدر و مادر او محسوب نمی‌شود، ولی اگر به موجب وصیت پدر یا جد پدری و برخورداری از صفت عدالت، قیم شرعی محسوب شود، اطاعت از او تا زمان رسیدن به بلوغ و رشد لازم است؛ زیرا اطاعت از او، در واقع به اطاعت از پدر یا جد پدری باز می‌گردد که ولایت بر فرزندش را به او سپرده است؛ همچنانکه احترام و احسان به او و قدردانی از زحماتش، کاری نیک و پسندیده است.

۲. زندگی کردن به گونه‌ی جدا از پدر و مادر، برای پسری که به بلوغ و رشد رسیده و نیز دختر بالغی که ازدواج کرده است، اشکالی ندارد؛ چراکه آن دو، اهلیت تصرف در امور خود را دارند، ولی پسری که به بلوغ یا رشد نرسیده و نیز دختری که ازدواج نکرده است، نباید بدون اذن پدر و مادرش از آن دو جدا شود، مگر اینکه پدر و مادرش به دلیل کفر یا اعتیاد یا بیماری روانی،

دین یا جان یا آبروی او را به خطر بیندازند؛ چراکه در این صورت، به جدا شدن از آن دو ناگزیر است، مشروط به اینکه جای امن‌تری داشته باشد و اگر نداشته باشد، بر امام و سپس مؤمنان عادل واجب است که جای امنی را برای او فراهم کنند و این مقتضای احسان یا ولایت آنان در امور حسبیّه است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.